





روایت «جام جم» از حضور رئیس رسانه ملی
در پشت صحنه سریال سلمان فارسی

کاروان سلمان

در دامنه دماوند





ابرها در هم پیچیده و فشرده‌اند. درست مثل ماشین‌هایی که در آخرین پنجشنبه سال در جاده فیروزکوه، در هم پیچیده و فشرده به سمت شمال روان‌اند. اگر از دیدن اولی، لبخندی بر لب به امید بارش باران هویدا می‌شود از مشاهده دومی، ابروها در هم گره می‌خورند و نگرانی از ترافیک بروز می‌کند. باران گاه و بیگاه بر سر کوه و دشت و جاده و ماشین می‌بارد اما در بارشش، نه خستی دارد و نه انتخابی. همه را با هم می‌نوازد. شاخه‌های درختان به لطف باران، برق و رنگ گرفته، آماده روییدن برگ‌هاست و زمین، خیس و پر آب، چشم‌انتظار رویش محصولات. در میانه جولان باران در کوهپایه‌های جنوبی دماوند و منطقه آبسرد که ویلاهای نامتجانس‌اش، بگری آن را تکان داده و در انتهای راهی گل‌آلود که از جاده محلی آبسرد جدا شده، تابلویی زرد رنگ به چشم می‌آید: «به سمت لوکیشن سریال سلمان فارسی».

صحبت می‌کنند. برخاستن صدای اذان، پایان این جلسه است. وضو زیر باران، حال عجیبی دارد. نمازی شکسته و بعد ناهار. دکتر جیلی سری به هم اتاق‌های گرم و لباس می‌زند تا خدا قوتی هم به گرمیورها و مسئولان بخش لباس بگوید.

راه روشن است

طهران از نیمه گذشته اما باران مثل صبح، تند و تیز می‌بارد. انگار همان طور که به استقبال آمده بود برای بدرقه هم می‌خواهد سنگ تمام بگذارد. عوامل سریال زیر بارش شدید باران، مهمانان خود را که دیگر غرق آب و گل شده‌اند ولی راضی و خشنودند، بدرقه می‌کنند. آنها با دیدن باران، دل‌شان گرم‌تر شده تا کاروان سلمان فارسی که حرکتش از اواخر آذر ۹۸ آغاز شده و با عبور از شاهرود، قشم، جلفا، ارمنستان و شهرک‌های سینمایی غزالی، نور و فداح مقدس هم اکنون به ابسرد دماوند رسیده است همچنان به مسیرش تا پخش ادامه دهد. مسیری که با توجه به دو فصل پایانمده ایران دوره ساسانی و حجاز صدر اسلام، راهی سخت اما دشنی به نظر می‌رسد. ابرها از هم گسیخته شده‌اند. انگار ترغیب تنغ خوشبید، ابرها از هم دیده است. تکه‌های ابر مانند پنبه‌های لحاف دوزی در آسمان گله‌گله پخش است. مسیری که به سمت تهران می‌رود هم خلوت است. ماشین‌ها مثل تکه‌های ابر، تکت و تکت در جاده می‌شود. مسیر باز و آسمان روشن است. فصل تازه‌ای در راه است.

در نوروز هم خبر می‌دهد و می‌گوید: بدین ترتیب مخاطبان از نزدیک در جریان توانمندی عوامل و قدرت ساخت سریال قرار خواهند گرفت.

❦ اشتیاق داوود برای دیدن سلمان

حالا نوبت داوود میریاقی است. او هم ابتدا از حضور دکتر جلیلی در پشت صحنه سریال تشکر می‌کند و تمنا می‌راند تا حضور را عامل دلگرمی گروه می‌داند و می‌گوید در روزهای پایانی فصل نینازس هفتم و به زودی به فصل دشوار ایران می‌رسیم. نویسنده و کارگردان سریال سلمان فارسی می‌گوید: بخش اعظم فصل ایران در شهر گابی ایلی فیلمبرداری می‌شود و در حال بررسی و مکان‌یابی برای بخش‌های اشرافی دربار ساسانی هستیم. وی با بیان این که خودش از همه مشتاق‌تر است تا سریال را روی آنتن ببیند، ابراز امیدواری می‌کند در صورت تداوم حمایت‌ها، این‌شاء الله سریال سلمان فارسی در ۶۰ قسمت و از دست‌های ۱۴۰۵ پخش شود. به درخواست عوامل، عری سرلی جمعی با حضور هنرمندان و بازیگران را بر روی سکوهای حیاط کاروانسرا گرفته می‌شود. باران که انگار منتظر پایان گفت‌وگوها و عکس‌ها بود، کارش را درباره از سری می‌گیرد. رئیس سازمان و همراهان به همراه داوود میریاقی، حسین طاهری تهیه‌کننده و سریال‌ها و تعدادی از سگروه‌های سازنده سریال در یک اتاق‌ها، بخش‌هایی از رافکت‌ها و تصاویر ضبط‌شده را می‌بینند و همزمان درباره آینده پروژه

صحنه سریال سلمان فارسی، هدف از این کار در آخرین روزهای سال، گفتن خسته نباشید و خدایات به عوامل سریال می خواند و می گوید: هر چه بیشتر کار ساخت این سریال جلو می رود و ایده های درخشان از عملی می شود عظمت کار بیشتر روشن می گردد. جلیلی در حالی که گفتند رضایت از دیدن کار دارد، می گوید: سریال سلمان فارسی نشان دهنده انسجام توانمند دو موضوع عظمت دین اسلام و عظمت تمدن ایرانی است. رئیس سازمان صداوسیما با بیان اینکه با تصویری شدن فیلمنامه ما نیز همگام نگاه ملی می شویم، می گوید با این که هنوز دو سوم کار باقی مانده ولی هر همین یک سومی که ساخته شده، عظمت کار مشخص است. جلیلی این یک کار را کاری ملی می خواند و می گوید این عظمت توانمندی تیم سلمان فارسی را نشان می دهد و تحسین جهانی در پی دارد. دکتر جلیلی این سریال را مصداق روشنی از انجاث حقیقت یاب و پیوند ایرانی حقیقت جو و اسلام مبارز بخش می خواند. حرای او با بلخندهای میزبانی که کنار او ایستاده همراه است. رئیس رسانه ملی ابراز امیدواری می کند که ساخت شرایط طبق برنامه پیش برود و در بهترین شرایط تولید، کاری دقیق را شاهد باشیم. دکتر جلیلی با اشاره به ضرورت حمایت همه دستگاه های مسئول از این طرح عظیم فرهنگی ملی خواستار توجه ویژه تر مجلس و دولت ایران می شود. رئیس رسانه ملی از بخش قسمت اول مستند پشت صحنه ساخت سریال سلمان فارسی

افراد مختلف با لباس های امروزی بیشتر است. همه کاپشن و کلاه دارند و کفش های شان با این که غریک کل است اما مستحکم و چکمه وار می نماید. باران، هر سو، حاله های گل آلود ساخته و قطرات دید باران را هر سو، خود فرو می برد. صدای بلند، همهمه های ساکت می کند. «سکوت لطفاً!» صدای بلند، قطرات باران و صدای شتران است که فرمان سکوت را در نمی یابد. صدایی از داخل جادر می آید: «صدای... آن سوتر جوابی می آید:» «صیبطه!»، چند لحظه بعد، صدای هم همان صدای اول «دوربین» از سمت غرب، باز بلند می شود: «خرجیده!» و باز همان صدای اول: «حرکت! تا گویور گوشه ای از کاروانسرا رخ می دهد. رفت و آمد کاروانیان با لباس قدیمی و حرکت دوربین کزین روی دو نفر که از طبقه بالا به پایین می آید، اولی، مسن تر است و به بلمان فارسی و دومی، میانس، پسر کاروانسرا دارد که به بلمان فارسی و سلمان می گویند. صدای کات، همه را میخکوب می کند. داوود بیبرقاری با کلاه ی خاکستری و کاپشنی مشکی از جادر بیرون می آید تا معلوم شود صاحب صدای اول، نویسنده و کارگردان سریال است. او مشغول گپ زدن با دو بازیگر است که میانه می دارد. در ورودی کاروانسرا، سرها را به یک سو برمی گردانند.

چه عظمتی دارد سلمان ❁

خبرنگاران حاضر، سراغ دکتر جبلی و داوود میرباقری می‌روند. جبلی با اشاره به چهارمین حضورش در پشت

به دل تاریخ خوش آمدید

راه گلی کوچک‌تر و کوتاه‌تری، سمت فلش قرمز رنگی است که زیر این عبارت قرار دارد. راهی که با عبور از چند آغل و طولیه به دیوارهای سفیدرنگی می‌رسد که غیر فرم‌های این نشان می‌دهد دیوارهای دکوری نوسازا، مستخدم است. دیوارهای به ارتفاع هشتی از چهار متر که مانند حلقه‌ای حول محوری مرکزی را احاطه کرده است. ورود به حصار همزمان است با دیدن چندین نفر شتر، شترهایی که دیدن‌شان، زیر شترش باران و در سرمای آن زمستان دماوند، حیرت‌انگیز است. آن‌سوی، پره‌ای سبز رنگ مانند دیواری مرتفع و عریض نشسته و دهان‌ها بیند عجیب و سنگی دیدار می‌شود. کاروانسرایایی قدیمی شبیه عمارت‌هایی که تعریف‌شان در کتاب‌های تاریخی قرن‌ها قبل آمده است. ستون‌های سنگی، کاروانسرایایی دو طبقه و عظیم را شکل داده است. چندین شتر در میدانگاه کاروانسرا امیده‌اند و گاهی یکی‌شان با شتروار، صدای بسیار بلند را می‌شنود. خط خطی می‌کند. آن سوی شترها، شیب آدهایی بالباس‌های تاریخی، زولیده و چندلنیه به چشم می‌آید. اگر کربن فیلمبرداری در پس‌زمینه نبود، توهم پرت‌شدن به قلب تاریخ آن هم در فضای بارانی و آبریی که وهم‌آلود می‌نماید، شدت پیدا می‌کرد. کاروانسرا، دو میدانگاه آبی دارد که گردش‌گردان را عمارت تمام‌سنگی دو طبقه با جزئیات فراوان، فرا گرفته است. در کنار کربن و اتفاقی جداری، تجمع

A large outdoor arena with a circular stone platform in the center. Numerous camels, some carrying loads, are gathered around the platform. Several people are standing near the camels and the platform. The background shows a stone building with arches and a tent structure on the right.